

۹۵ - عرفان و محبت الله و نیت خیر^۱

و نیز در مفاوضات است قوله الجمیل : به عرفان حق نور محبت الله در زجاجة قلب بر افروزد و اشعه ساطعه اش آفاق را روشن نماید و وجود انسان را حیات ملکوتی بخشد و فی الحقیقه نتیجه وجود انسانی محبت الله است و محبت الله روح حیات است و فیض ابدی است اگر محبت الله نبود عالم امکان ظلمانی بود اگر محبت الله نبود قلوب انسان مرده و محروم از احساسات وجدانی بود اگر محبت الله نبود کمالات عالم انسانی محو و نابود بود اگر محبت الله نبود ارتباط حقیقی در نشأه انسانی نبود اگر محبت الله نبود اتحاد روحانی مفقود بود اگر محبت الله نبود نور وحدت عالم انسانی مخموم بود اگر محبت الله نبود شرق و غرب مانند دو دلبر دست در آغوش یکدیگر نمی نمود اگر محبت الله نبود اختلاف و انشقاق بدل به ایتلاف نمیگشت ... و محبت عالم انسانی اشراقی از محبت الله و جلوه از فیض موهبه الله است .

و قوله الجلیل : نیت خیر اساس اعمال خیریه است ... نیت خیریه نور محض است و از شوائب غرض و مکر و خدعه منزّه و مقدّس ولی ممکن که انسان به ظاهر عمل مبروری مجری دارد ولی مبئی بر اغراض نفسانی باشد ... اما نیت خیریه مقدّس ازین شوائب ... باری بعد از عرفان الهی و ظهور محبت الله و حصول انجذاب وجدانی و نیت خیریه اعمال مبروره تامّ و کامل است و الا هر چند اعمال خیریه ممدوح است ولی بدون آنکه مستند به عرفان الهی و محبت ربّانی و نیت صادقانه باشد ناقص است .

و از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی : اگر عباد رشی از محبت الهی را ذوق نموده بودند والله در بیتها مقرر نمی گرفتند بلکه در کوهها ناله مینمودند این است که کل مشغول به حکمت شده اند یعنی به آنچه سبب حفظ نفس اماره میشود اگر قطره از کأس محبت الله میاشامیدند البته صد هزار حکمت را بنار میسوختند .

^۱ فی القرآن المجید : کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون . روی عن النبی ص : انه قال مررت لیلۃ اسری بی بقوم تقرض شفاهم بمقاریض من نار فقلت من انتم فقالوا کنا نأمر بالخیر و لا نأیبه و نهی عن الشر و نأیبه . و عن عمر بن خطاب قال سمعت رسول الله ص یقول : انما الاعمال بالنیات و انما لكل امرء ما نوى فمن كانت هجرته الی الدنیا یصیبها او الی امراه ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه . رواه البخاری و مسلم و غیرهما و فی روایة زیادة . فمن كانت هجرته الی الله و رسوله ثم عقبها بالجملة الاخیره و فی الحدیث نیة المؤمن خیر من عمله . در علم کلام راجع به اصول عقاید اسلامیة در حقیقت ایمان که آیا همان معرفت است و یا مجرد اقرار و اعتراف و ایا اقرار بشرط معرفت و یا تصدیق بما جاء به النبی ص مطلقاً و یا بشرطیت و یا بشرطیت اقرار و اعتراف اقوالی است و نیز معتزله ایمان را واجب عقلی و عقل را مدرک حسن ایمان و قبح کفر و مدرک حسن اشیاء و احکام صالحه برای ناس گفتند و اشاعره و غیر هم طریق امور مذکوره را شرع دانستند و ابوحنیفه ایمان را قابل زیاده و نقصان و شافعی غیر قابل آن گفتند و ابوحنیفه عمل را از ایمان شمرده ولی شافعی و احمد بن حنبل ایمان را مجموع تصدیق به جنان و اقرار بلسان و عمل به ارکان گفتند و خوارج اتیان به معصیت صغیره یا کبیره را موجب کفر گفتند و معتزله عاصی به معصیت کبیره را فاسق و به منزله بین المتزلتین نه مؤمن و نه کافر خواندند .

